

# دولت، جامعه مدنی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه - ۲

## (بررسی تجربه مصر)

نوشته: ژوئل کامپانا

ترجمه: دکتر حمید احمدی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از همراهی تارویاری: \*

### اخوان المسلمین در دوران حسنی مبارک

توضیحات مترجم:

در نخستین بخش از سلسله مقالات مربوط به بحث دولت، جامعه مدنی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه، استراتژی اسلام‌گرایان اردنی برای حضور در جامعه مدنی این کشور مورد بررسی قرار گرفت.<sup>۱</sup> در آن مقاله گفته شد که اخوان المسلمین اردن و سازمان سیاسی آن یعنی «جبهه اقدام اسلامی» از سالهای آخر دهه ۱۹۸۰ به بعد با محکوم کردن خشونت به نام دین اسلام، و با درپیش گرفتن سیاست اعتدال و میانه‌روی در فرایند سیاسی اردن مشارکت و تلاش کرده است اسلام‌گرایان رانیروهایی طرفدار دموکراسی و گسترش جامعه مدنی معرفی کند.

همانگونه که نگارنده در مقدمه آن مقاله به اختصار اشاره کرد، استراتژی اسلام‌گرایان اردن بیانگر خط‌مشی جدید جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه از سالهای دهه ۱۹۸۰ به بعد می‌باشد. گذشته از اردن، اسلام‌گرایان مصری، الجزایری، تونس، لبنانی و ترک و یمنی نیز همین خط‌مشی را در پیش گرفته‌اند. با وجود این، دولت‌های خاورمیانه پس از یک بردباری کوتاه، به سیاست جلوگیری و سرکوب در قبال استراتژی جدید اسلام‌گرایان روی آورده‌اند. این فرایند در کشورهایی چون الجزایر، تونس، مصر، اردن و ترکیه رخ نموده است.

در این میان، جنبش اسلامی مصر و اسلام‌گرایان مصری نقشی پیش‌تاز داشته و سایر اسلام‌گرایان خاورمیانه‌ای را در دوره‌های مختلف تاریخی تحت تأثیر قرار داده‌اند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، روند شکل‌گیری حرکت اسلامی سازمان‌یافته از مصر به دیگر نقاط جهان اسلام سرایت کرد و ظهور اخوان المسلمین در ۱۹۲۸ آغاز این فرایند بود. اعتدال‌گرایی و گرایش اسلام‌گرایان به سوی جامعه مدنی و مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز و دوری جستن از خشونت و رویارویی مسلحانه نیز برای

نخستین بار از سوی اسلام‌گرایان مصری در پیش گرفته شد و به سایر نقاط جهان عرب گسترش یافت. بدین ترتیب، آشنایی با تجربه و استراتژی اسلام‌گرایان مصری کمک مهمی به درک و شناخت علل و عوامل گرایش دیگر اسلام‌گرایان خاورمیانه‌ای می‌کند.

بی‌نتیجه ماندن رویارویی‌های خشونت‌بار میان گروه‌های اسلامی و دولت مصر در سالهای دهه ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ اثر زیادی بر معتدل شدن سیاست اسلام‌گرایان در این کشور داشته است. به عبارت دیگر، عدم توفیق اسلام‌گرایان رادیکال مصری در مغلوب ساختن دولت در این سالها، نسل با تجربه بعدی جنبش اسلامی و نخبگان قدیمی این جریان را متقاعد کرد که اسلام‌گرایان قادر نخواهند بود با توسل به مبارزه مسلحانه یا ترور شخصیت‌های سیاسی به برقراری نظام اسلامی نایل آیند. سرنوشت سه گروه اسلام‌گرای رادیکال مصری در سالهای دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در این فرایند تغییر و تحول جهت‌گیری سیاسی بسیار مؤثر بوده است. اسلام‌گرایان مصری در نتیجه سیاست‌های دولت ناصری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و بخصوص تحت تأثیر نوشته‌های سید قطب نظریه پرداز برجسته اسلامی معاصر و بویژه کتاب مشهور او «معالم فی الطریق» به سوی رادیکالیسم و توسل به زور در برابر دولت گرایش پیدا کردند. در سالهای دهه ۱۹۷۰ سه گروه اسلام‌گرای مصری تصمیم گرفتند از طریق فعالیت‌های مخفی و مسلحانه دولت را سرنگون کنند، اما به این کار توفیق نیافتند. نخستین گروه در این میان «سازمان آزادیبخش اسلامی» (منظمة التحرير الاسلامی) به رهبری دکتر صالح سریه بود که در صدد برآمد انور سادات را در دانشکده فنی نظامی مصر ترور کند. این طرح ناموفق از کار درآمد و رهبران گروه در ۱۹۷۴ دستگیر و در ۱۹۷۵ اعدام شدند. دومین گروه که تحت تأثیر مستقیم

\* Joel Campagna, "From Accommodation to Confrontation: The Muslim Brotherhood in the Mubarak Years", *Journal of International Affairs* 50, no.1. (Summer 1996).

- هرابر دکمجان، جنبشهای اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۲).  
- ژیل کویل، پیامبر و فرعون، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵).

### مقدمه:

دادگاه عالی نظامی مصر در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۵، پنجاه و چهار عضو برجسته اخوان المسلمین را به زندانهای سه تا پنج سال با اعمال شاقه محکوم کرد. محاکمه مذکور نقطه اوج در دوره چهار ساله پر آشوبی بود که طی آن برداری دولت نسبت به گروه غیرقانونی اخوان المسلمین که بزرگترین گروه مخالف سیاسی مصر است، روبه کاهش گذاشته بود.



اخوان المسلمین بعنوان بزرگترین و بانفوذترین گروه در جامعه مدنی مصر، برای ساختارهای قدرت دولت که به گونه‌ای فزاینده دچار ناشکیبایی و انزوا شده‌اند، تهدید قلمداد می‌شد و بدین خاطر قربانی فضایی سخت سرکوبگرانه گردید.

نکته مهم این است که حکم دادگاه که بر اساس آن متهمان به علت عضویت در یک سازمان غیرقانونی محکوم گردیده بودند و دستور بسته شدن مراکز و دفاتر اصلی اخوان المسلمین در جنوب قاهره صادر شده بود، نشانه اولین پیگرد قانونی اعضای سازمان توسط یک دادگاه نظامی پس از سال ۱۹۶۵ بود. در آن سال جمال عبدالناصر برای دومین بار طی دوران ریاست جمهوری‌اش از طریق زندانی کردن کادر رهبری تجدید سازمان یافته اخوان در صدد درهم کوبیدن آن برآمد. حرکت اخیر رژیم مبارک در مورد رهبری فعال و جواتر سازمان، دست کشیدن قاطع از سیاست همراهی و تحملی بود که در بیشتر سالهای دهه ۱۹۸۰ نسبت به اخوان المسلمین اعمال شده بود. در گذشته، این سیاست به سازمان فرصت زیادی داده بود تا بعنوان یک موجودیت سیاسی که از نظر تکنیکی غیرقانونی بود اما تا اندازه زیادی مورد شناسایی قرار گرفته بود، غیرمستقیم در انتخابات پارلمانی مشارکت کند و به گسترش فعالیت‌ها و عملیات خود در زمینه خدمات اجتماعی در سراسر کشور دست بزند.

تصمیم دادگاه در نوامبر که به دنبال دستگیری دهها عضو اخوان المسلمین در طول سال ۱۹۹۵ صادر شد، بحث‌های مهمی در داخل مصر پیرامون اهمیت سرکوب سازمان به راه انداخت. روزنامه‌های مخالف و مفسران سیاسی توجه خود را به انتخابات پارلمانی همان ماه و استراتژی دولت برای جلوگیری از مشارکت نامزدهای برجسته اخوان المسلمین که از نظر بسیاری پیروزی‌های چشمگیری در انتخابات به دست می‌آوردند، معطوف ساختند. وسعت سرکوب ۱۹۹۵ که طی آن ۸۱ عضو اخوان المسلمین - آهم همگی از اعضای سابق پارلمان، فعالان برجسته مدنی یا نامزدهای پارلمانی - دوبار در دادگاه عالی نظامی محاکمه شدند، قدرت و صحت این استدلالها را تقویت کرد. دستگیرشدگان شامل رهبران جوان و بویای سازمان در انجمن‌های حرفه‌ای، باشگاههای دانشگاهی و سازمانهای غیردولتی می‌شدند. در

تعلیمات سید قطب شکل گرفت «جماعة المسلمین» نام داشت که بعدها به گروه «التکفیر والهجره» مشهور شد. رهبری این گروه به عهده مهندس شكري مصطفی بود که در سال ۱۹۷۶ پیش از دست زدن به اقدام گسترده برضد دولت دستگیر و سپس اعدام شد. سومین گروه رادیکال مصری تحت عنوان «سازمان جهاد» (منظمة الجهاد) تحت رهبری عبدالسلام فرج در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. این گروه در ۱۹۸۱ موفق شد از طریق یکی از اعضای نظامی خود یعنی سروان خالد اسلامبولی سادات را ترور کند. با این همه، گروه چنان که امید داشت نتوانست به براندازی حکومت دست بزند. در نتیجه رهبران و اعضای بلندپایه آن دستگیر و اعدام شدند. گرچه برخی گروههای دیگر مانند «الجماعة الاسلامیه» در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در صدد برآمدن با توسل به زور دولت مصر را سرنگون سازند، اما موفق نشدند. ۳ سرکوبی گروههای رادیکال فوق‌الذکر به تضعیف رادیکالیسم اسلامی و گرایش اسلام‌گرایان به اعتدال انجامید. اخوان المسلمین مصر پس از سالهای زندان در دهه ۱۹۶۰، سیاست اعتدال در پیش گرفت و با خط‌مشی گروههای رادیکال مخالفت کرد. گرچه تب و تاب انقلابی و رادیکالیسم سالهای دهه ۱۹۷۰ را دربر گرفته بود، اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ اخوان المسلمین موفق شد بسیاری از اعضای سابق گروههای رادیکال و متفکران آن را به سوی خود جذب کند و استراتژی میانه‌روی و اعتدال را در صحنه سیاست‌های اسلام‌گرایی مسلط نماید. اخوان المسلمین مصر در انتخابات سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷ شرکت کرد و به پیروزیهای چشم‌گیری در پارلمان دست یافت. با این همه، دولت حسنی مبارک مانع مشارکت اسلام‌گرایان معتدل در انتخابات ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ شد. در سال ۱۹۹۵ نیز دولت بیشتر رهبران و فعالان اخوان المسلمین را دستگیر و پس از محاکمه در دادگاههای نظامی به زندان محکوم کرد. بدین ترتیب، دولت مصر نیز که نمونه برداری در برابر اسلام‌گرایان معتدل بود، سرانجام از ترس نفوذ آنها در صحنه سیاسی و جامعه مدنی مصر به برداری خود پایان داد. همین پدیده در سال گذشته (دسامبر ۱۹۹۷) در اردن روی داد و دولت این کشور تصمیم گرفت مانع استمرار مشارکت اسلام‌گرایان در فرایند سیاسی شود.

در مقاله‌ای که ترجمه آن از نظر خوانندگان گرامی *اطلاعات سیاسی و اقتصادی* می‌گذرد، خط‌مشی اسلام‌گرایان معتدل و سیاست برداری اولیه و سپس سرکوب دولت در قبال آنها به خوبی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده دلایل این موضع دولت را با توجه به تحولات پانزده ساله اخیر مصر مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

زیرنویس:

- ۱- گلن رابینسون، «آیا اسلام‌گرایان می‌توانند دموکرات باشند؟» بررسی تجربه اردن»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵.
- ۲- البته اسلام‌گرایان ترکیه تا اندازه‌ای از این قاعده مستثنی هستند، و با اینکه آنان نیز از تأثیر حرکت اخوان المسلمین فارغ نبوده‌اند، اما دارای تاریخ و سیر تحول خاص خود هستند که از تجربه تاریخ سیاسی معاصر جامعه ترکیه سرچشمه می‌گیرد.
- ۳- برای اطلاع بهتر از فعالیت‌ها و سرانجام این سه گروه رادیکال مصری، رجوع کنید به:

مورد انتخابات پارلمان (مجلس الشعب) باید گفت که حتی یکی از تقریباً ۱۵۰ نامزد اخوان المسلمین نیز که بعنوان افراد مستقل یا تحت نام حزب کار (العمل) به رقابت پرداخته بودند نتوانستند کرسی به دست آورند.<sup>۲</sup> گروه‌های حقوق بشر محلی و بین‌المللی ناظر بودند که دولت دخالت زیادی در انتخابات می‌کرد و نامزدهای اخوان المسلمین و کارگران فعال در مبارزات انتخاباتی را سخت تحت فشار و سرکوب قرار می‌داد.<sup>۳</sup> در حالی که فرضیه بالا نشانه‌ای که تفسیر قابل تأمل از حوادث است، رفتار دولت طی چهار سال گذشته سخت حاکی از این است که سرکوب اخیر اخوان المسلمین از موضوع انتخابات مجلس الشعب (پارلمان) در ۱۹۹۵ فراتر می‌رود. این امر نشانه‌ای استراتژی بلندمدت است - که از چهار سال قبل به اجرا درآمده - و هدف آن از بین بردن موقعیت ممتاز اخوان المسلمین در جامعه مدنی مصر و تضعیف توان آن برای جذب حمایت‌های فزاینده در بطن جامعه است. تشدید تدریجی سرکوب اخوان، با چند حادثه مهم طی سالهای دهه ۱۹۹۰ همراه شد که بیانگر نگرانی رو به رشد رژیم از نفوذ فزاینده اخوان المسلمین در سطوح اجتماعی گسترده بود.

نخستین نشانه تغییر دیدگاه رژیم نسبت به گروه فوق‌رأمی توان در اواسط دهه ۱۹۸۰ به دنبال موفقیت غیر قابل پیش‌بینی اخوان در انتخابات پارلمانی جستجو کرد (نگاه کنید به صفحات بعد). با این همه، حوادث دهه ۱۹۹۰ که با تحریم انتخابات پارلمانی از سوی گروه‌های مخالف - از جمله اخوان المسلمین - و نفوذ در حال افزایش سازمان در انجمن‌های حرفه‌ای و دیگر نهادهای مدنی آغاز شد، توجه دولت را به خود جذب کرد. رژیم مشارکت فزاینده و آشکار گروه در حیات مدنی و سیاسی را تهدید بزرگی برای مشروعیت رو به زوال خود در میان مصریان معمولی قلمداد کرد. در آغاز، پاسخ دولت احتیاط آمیز بود، اما موضع رویارویی طلبانه مقامات نسبت به گروه در اوایل ۱۹۹۱ آشکار شد. در این زمان دولت دستگیری اعضای مشکوک اخوان را آغاز کرد و به دنبال آن در ۱۹۹۳ اقدامات قانونی شدیدی به عمل آورد که هدفش جلوگیری از نفوذ اخوان المسلمین در سندیکاها و حرفه‌ای نظیر انجمن‌های ملی پزشکی و مهندسی بود. تقریباً در همان زمان مقامات دولتی و مطبوعات نیمه رسمی حملات مطبوعاتی تعصب‌آلودی را آغاز کردند و در صدد برآمدن با «تروریست» توصیف کردن سازمان و طرح همکاری نزدیک آن با جناح‌های رادیکال جنبش اسلامی - آنهم با وجود تعهد علنی اخوان المسلمین به عدم خشونت در تعقیب اهداف سیاسی‌اش - گروه مذکور را بی‌اعتبار سازند. احکام شدید دادگاه نظامی در نوامبر ۱۹۹۵، جدی‌ترین اقدام دولت در مورد گروه تا آن زمان بود و حکایت از یک استراتژی برنامهریزی شده برای از بین بردن پایگاه‌های قدرت اخوان المسلمین در جامعه مدنی داشت.

این تحقیق حوادثی را مورد بررسی قرار می‌دهد که طی دهه گذشته باعث حرکت دولت به سوی یک استراتژی رویارویی در دهه ۱۹۹۰ با اخوان المسلمین شد. این نوشتار نشان می‌دهد که دلایل این پاسخ دولت

بطور مستقیم با توان آشکار گروه در فعالیت‌هایش بعنوان یک جنبش سیاسی پر قدرت و رو به رشد و قادر به بسیج حمایت گسترده، در ارتباط بوده است. مشروعیت فزاینده اخوان المسلمین، که بخاطر مواضع مستقل آن در برابر مسایل عمده سیاسی و حمایت آشکار مؤسسات عمده جامعه مدنی از آن افزایش یافت، باعث شد که دولت موضعی تدافعی اتخاذ کند و از آسیب‌پذیری خود - که نتیجه پایگاه ضعیف در سراسر کشور بود - نگران شود. دولت مبارک با سرکوب گسترده مؤثرترین فعالان و سازمان‌دهندگان اخوان المسلمین در ۱۹۹۵، هدف روشن خود برای فلج ساختن گروه در سالهای آینده را آشکار ساخت.

### شکيبایى و سازگارى احتياط آميز : ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹

به دنبال ترور سادات توسط مبارزان مسلمان در اکتبر ۱۹۸۱، رژیم مبارک سیاستی آرامش‌بخش در قبال اخوان المسلمین در پیش گرفت و عمر تلمسانی مرشد عام اخوان و دیگر اعضای را که در سپتامبر ۱۹۸۱ در جریان به اصطلاح «پائیز خشم» سادات دستگیر شده بودند از زندان آزاد کرد. روابط دولت با اخوان المسلمین طی سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ بیانگر نوعی موازنه ظریف بود. رژیم در پی این بود که برای ایجاد وزنه‌ای در برابر گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال تهدیدگر که از زمان سادات رو به رشد گذاشته بودند، از اخوان المسلمین میانه‌رو و طرفدار عدم خشونت استفاده کند. بدین ترتیب، دولت به اخوان غیرقانونی اجازه داد از طریق دفاتر مرکزی خود در جنوب قاهره فعالیت‌های خود را آغاز کنند و انتشار نشریات خود را از سرگیرند.<sup>۴</sup> اخوان در عوض این آزادی تازه یافته، از انتقاد شدید از رژیم خودداری کردند و در عین حال به فعالیت خود در اعماق جامعه از طریق سازمانهای خیریه اجتماعی ادامه دادند و پایگاه قدرت خود را در سراسر کشور گسترش بخشیدند. به نوشته ژیل کیل رژیم بطور ضمنی از اخوان المسلمین و دیگر اقلیت مذهبی محافظه کار جامعه حمایت کرد تا ثبات خود را افزایش دهد. دلیل اتخاذ چنین سیاستی، موضع متعادل این گروه‌ها برای ایجاد تغییر از طریق تاکتیکهای مسالمت آمیز و مخالفت با رویارویی قهرآمیز گروه‌های رادیکال با دولت بود. ژیل می‌گوید «تا زمانی که این گروه‌ها در مسایل سیاسی دولت را بطور مستقیم به چالش نمی‌طلبیدند و به شریعت بعنوان بهترین فرصت برای بهبود اخلاقی جامعه می‌نگریستند، دولت از آنها استقبال می‌کرد».<sup>۵</sup>

از نظر دولت، فواید این سیاست قابل قبول بود، چون اخوان در برابر هر امتیازی که در نتیجه آزادی سیاسی فزاینده‌اش کسب می‌کرد ناچار می‌شد با گروه‌ها و احزاب مخالف غیر مذهبی (سکولار) بطور آشکار به رقابت بپردازد، و بدین ترتیب ضعف جنبش آشکار می‌شد. عقیده بر این بود که علنی شدن بیشتر اندیشه‌های گروه نزد عموم، توان آن را بر اساس ماهیت «زیرزمینی‌اش» برای جلب شهر و ندان کم خواهد کرد.



این استراتژی نیز باعث افزایش اعتبار گروه و شانس موفقیت آن در سیاست‌های پارلمانی شد.

اخوان المسلمین از طریق بسیج گسترده حوزه‌ها پیروزی‌های انتخاباتی زیادی به دست آورد و در نتیجه کنترل سیاسی انجمن پزشکی را در ۱۹۸۶، یعنی دو سال پس از کسب نه کرسی از بیست و پنج کرسی هیأت مدیره آن در ۱۹۸۴، در اختیار گرفت. تا پایان دهه ۱۹۸۰، اخوان به پیروزی‌های مشابهی در انجمن‌های مهندسان و داروسازان نایل آمدند و در نتیجه تا ۱۹۹۲ بر تمامی انجمن‌های حرفه‌ای عمده (به استثنای انجمن روزنامه‌نگاران) اعمال کنترل می‌کردند. در این سال نیز در انجمن پراعتبار و کلای دادگستری که قبلاً تحت سلطه غیر مذهبی‌ها بود، اکثریت را به دست آوردند.

این پیروزی‌های انجمنی اهمیت ویژه‌ای از لحاظ حضور برجسته و فزاینده آن در جامعه مدنی داشت. در این زمان، انجمن‌ها بیانگر یکی از معبود راه‌های استقلال سازمان از دولت محسوب می‌شدند. کنترل تدریجی این نهادها از سوی اخوان المسلمین دستکم به گونه‌ای نمادین نشان داد که گروه برای نخستین بار کنترل کانهالهای «مشروع» را برای پیشبرد اهداف سیاسی خود، و بالا بردن بویایی‌اش بعنوان یک نیروی سیاسی قوی به دست آورده است. این مسأله برای رژیم یک چالش عمده بود، بویژه اینکه احزاب سیاسی مخالف موجود موقعیت ضعیفی داشتند. اکنون، اخوان المسلمین می‌توانست به گونه‌ای مؤثر خلأ موجود در نظام سیاسی فاسد و راکد مصر را نه تنها از طریق انجمن‌ها بلکه از طریق شبکه‌ی رو به رشد خدمات اجتماعی‌اش در سراسر کشور پر کند. اخوان المسلمین که بطور عمیقی ریشه‌های خود را در بخش‌های مهم جامعه دوانده بود، در مقامی بود که می‌توانست حمایت گسترده‌ای برای خود بسیج کند و چالشی بالقوه برای دولت تحت سلطه حزب دموکراتیک ملی باشد.

با وجود این، به استثنای دستگیری و بازجویی گاه به گاه اعضای اخوان از سوی نیروهای امنیتی و انتقادهای پراکنده اما بی‌زیان- مطبوعات نیمه رسمی و مقامات دولتی، دولت در طول سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ سیاستی پایدار مبنی بر عدم رویارویی با اخوان در پیش گرفت. یکی از مقامات دانشگاهی در رابطه با دیدگاه دولت در این زمان می‌گوید «به تأخیر انداختن رویارویی یک عمل غریزی بود، نه یک سیاست دولتی که به دقت طراحی شده باشد». به گفته وی «دولت در رابطه با قدرت اجتماعی و ریشه دار اسلام‌گرایان خود را به نادانی زد، و اسلام‌گرایان نیز در عوض با فساد و عدم کارایی دولت به رویارویی نپرداختند». اما در ۱۹۸۹، تغییرات ظریفی در این سیاست به چشم خورد. در آوریل ۱۹۸۹، زکی بدر وزیر کشور بیانیته‌ای صادر کرد که در آن اخوان المسلمین طرفدار عدم خشونت به خاطر ارتباطاتش با گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا یا لحنی هشدار دهنده که در دهه بعدی شدت یافت مورد انتقاد قرار گرفت. در این بیانیه آمده بود که: «افراطی‌ها در واقع یک سازمان مخفی از اخوان المسلمین برای انجام سوء قصد و ترورها

اما به زودی ثابت شد که این فرضیه درست نبوده است. ضیاء رشوان تحلیل‌گر سیاسی مصری در این رابطه می‌نویسد «رژیم که معتقد بود اخوان المسلمین خطری واقعی برایش نیستند تا ۱۹۸۴ یعنی هنگامی که گروه از طریق اتحاد با حزب وفد غیر مذهبی پیروزی چشمگیری در انتخابات پارلمانی کسب کرد، به نادیده گرفتن حضور فزاینده آن ادامه داد».<sup>۶</sup>

نتایج انتخابات ۱۹۸۴ که در آن گروه هشت کرسی در مجمع خلق (مجلس الشعب) ۳۶۰ عضوی کسب کرد، دولت و رهبران اخوان را بطور یکسان شگفت زده کرد.<sup>۷</sup> این حادثه باعث شد که دیدگاه دولت نسبت به گروه تا حدی تغییر کند. چنان که رشوان معتقد است، این نمایش قدرت غیر قابل انتظار، «رژیم را در مورد نیروی سیاسی بالقوه اخوان هوشیار ساخت و آن را تشویق کرد تا فعالیت‌های سازمان را از نزدیک تحت نظر بگیرد».<sup>۸</sup> پس از انتخابات که گروه قصد خود را مبنی بر افزایش انتقاد از سیاست‌های دولت از طریق اعضای پارلمان آشکار ساخت، نگرانی‌های احتمالی در رابطه با اخوان افزایش یافت. عمر تلمسانی مرشد عام اخوان در مصاحبه‌ای در ژوئن ۱۹۸۴، از این طرح‌ها سخن به میان آورد:

هنگامی که به انتخابات پیوستیم کاملاً جدی بودیم. هدف ما این بود که از یک کانال قانونی، یعنی حزب وفد، به پارلمان دست پیدا کنیم. چون اعضای مجلس الشعب (پارلمان-م) از مصونیت پارلمانی برخوردارند، برادرانی که به مجلس راه می‌یابند. به جای اخوان المسلمین سخن خواهند گفت، اجرای قانون شریعت را تشویق خواهند کرد و بدون ترس از بازداشت یا شکنجه دولت را در رابطه با این موضوع تحت فشار قرار خواهند داد... اکنون برخی از آنان [اخوان المسلمین] که عضو مجلس الشعب هستند دولت را تحت نظر دارند و حق دارند دولت را وادار سازند تا مسئولیت اعمال خود را بر عهده گیرد.<sup>۹</sup>

با وجود این اظهار نظرهای آشکار، در ماه‌های بعدی دولت مشاهده کرد که اخوان المسلمین چندان تهدیدی به شمار نمی‌روند- بویژه اینکه درخواست‌های آنها برای اجرای شریعت در پارلمان خنثی می‌شود. همچنین نفوذ رادیکال‌های اسلامی در آن زمان به محوطه دانشگاه‌ها محدود می‌شد، و تنها موارد جزئی از اقدامات خشونت‌بار به چشم می‌خورد. بطور کلی رژیم از ثبات نسبی برخوردار بود.<sup>۱۰</sup>

با این همه، سه سال بعد در ۱۹۸۷ موفقیت پارلمانی اخوان المسلمین در نتیجه اتحاد آن با دو حزب لیبرال و کارگر سوسیالیست ادامه پیدا کرد. اتحاد سه جانبه مذکور سی‌وشش کرسی به دست آورد و جذابیت فزاینده اخوان المسلمین برای شهروندان را نشان داد. تقریباً در همان زمان، تهاجمات جدیدی نیز در درون انجمن‌های حرفه‌ای ملی و سایر نهادهای مدنی صورت گرفت. اخوان المسلمین در سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ تلاش‌های خود را بیشتر بر حضور در انجمن‌های حرفه‌ای، اتحادیه‌های دانشجویی و باشگاه‌های دانشگاه‌ها متمرکز کرده بودند تا جایگاهی برای تجلی اندیشه‌های خود به منظور آموزش مصریان دست‌وپا کنند.<sup>۱۱</sup>

هستند. برخلاف آنچه برخی معتقدند، میان دو گرایش تضادی وجود ندارد و آنها در حقیقت يك انجمن واحد هستند». ۱۳ در اوت همان سال، در حدود بیست نفر از اعضای اخوان المسلمین همراه با ۸۰ بچه پس از برپایی يك اردوی تفریحی چهارروزه در اسکندریه دستگیر شدند. ۱۴ به نوشته روزنامه مصری الوفد، این اردو برخلاف هشدارهای وزارت کشور برپا شده بود. ۱۵ دستگیری‌های مشابه ادامه یافت تا اینکه وزیر کشور که سرکوب همه جناحهای طیف سیاسی را تشدید کرده بود، در ژانویه ۱۹۹۰ از کار برکنار شد. فعالیت‌های شدید دولت بر ضد گروه، شاید نشانه قطب‌بندی پنهان میان تندروها، نظیر زکی بدر و دیگر مقامات طرفدار موضعی مبتنی بر رویارویی کمتر بود. این مسأله در سالهای بعد آشکارتر شد. پس از اظهارات شدید اولیه در سال ۱۹۸۹، دولت مصمم تر تلاش کرد تا در پاسخ به مخالفت مستقل تر و رسمی تر سازمان بارژیم، با آن به رویارویی بپردازد.

### تشدید رویارویی: از ۱۹۹۰ تا کنون

تحریم انتخابات، کنفرانس صلح مادرید و خشونت اسلام گرایان

در سال ۱۹۹۰ صدای رساتر اخوان المسلمین در پارلمان به گوش رسید و تصمیم آن در تحریم انتخابات پارلمانی اوج این پدیده بود. حزب مخالف وفد نخستین گروهی بود که انتخابات را تحریم کرد، اما چهره‌های برجسته اخوان المسلمین نیز طرح خود را برای پیوستن به این تحریم به دلیل نگرانی‌های موجود پیرامون تقلب‌های اساسی در انتخابات آشکار ساخت. ۱۶ مأمون هضیبی سخنگوی گروه در پارلمان در توضیح این تحریم گفت:

ما خواستار يك انتخابات آزاد و منصفانه بودیم. ما شرایط این انتخابات را نپذیرفتیم. تقاضاهای مارد شد. ما خواستار نظارت قضایی بر انتخابات شدیم، این هم پذیرفته نشد. ما خواستار این شدیم که رأی‌دهندگان هویت خود را آشکار کنند، این هم رد شد. وزیر کشور همه چیز را کنترل می‌کند. همه تحت فرمان او هستند. هیچ تضمینی وجود ندارد. ۱۷

رهبان احزاب تحریم‌کننده انتخابات - از جمله مأمون هضیبی - طی يك کنفرانس مشترك مطبوعاتی در اکتبر ۱۹۹۰ گفتند که آنها «از همکاری در ایجاد يك نمایش دموکراتیک جعلی خودداری ورزیده‌اند». ۱۸

از نظر برخی ناظران، تحریم بعنوان تحریکی در جهت به هراس انداختن رژیم در داخل و در سطح بین‌المللی قلمداد شد. ۱۹ اخوان المسلمین نیز به سایر احزاب مخالف پیوست و رژیم را بخاطر استمرار قانون حالت فوق‌العاده - که از زمان ترور سادات در ۱۹۸۱ برقرار بود - سخت مورد انتقاد قرار داد. مأمون همچنین بطور علنی اظهار داشت که «سیستم حکومتی بر اساس سرکوب و دیکتاتوری

استوار است، و به همین دلیل است که پشت سر قوانین حالت فوق‌العاده پنهان می‌شود». ۲۰ این زبان انتقادی، با موضوع اخوان المسلمین ملاحظه کار در اوایل تا اواسط دهه ۱۹۸۰ در تضاد آشکار قرار داشت.

در حالی که تحریم پارلمانی و انتقاد رسای گروه از سیاست دولت به تیره شدن روابط آنها کمک زیادی کرد، امار رهبران اخوان المسلمین اظهار می‌دارند که کشمکش بارژیم پس از مخالفت شدید سازمان با کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ میان طرفین درگیر در کشمکش اعراب و اسرائیل شروع شده است. ۲۱ اخوان المسلمین سخت به این گفتگوها انتقاد داشتند و غیرمستقیم حمایت دولت مصر از کنفرانس و میانجی‌گری فعالانه در برگزاری آن را محکوم کردند. این انتقاد در بیانیه شدیدالحن محمد حامد ابونصر مرشد عام اخوان المسلمین در زمان کنفرانس مادرید تجلی یافت:

اشتیاقی که بسیاری از رهبران عرب برای حضور در کنفرانس به منظور فروختن فلسطین از خود نشان می‌دهند، هشدار دهنده است. این نشانه وضع منحطی است که در نتیجه سیاست این رهبران و در نتیجه دوری آنان از اسلام و تلاششان برای دور نگاهداشتن آن از نبرد، دچار آن شده‌ایم. چنانچه آنان در این کنفرانس شرکت کنند و قطعنامه‌های غیر عادلانه آن را امضاء نمایند، در برابر نسل کنونی و نسل آینده به خاطر رها کردن مسأله فلسطین و مسجد الاقصی مسئول خواهند بود و گناه زیر اشغال رفتن آنها را به دوش خواهند کشید. ۲۲

در میان احزابی که گفتگوهای صلح را رد کردند، مخالفت اخوان المسلمین از همه آشکارتر بود. ۲۳ در ۲۵ اکتبر، اخوان يك «گردهم‌آیی توده‌ای» در حلوان تحت نام «اسلام صلح با غاصبان سرزمینها و اماکن مقدسه اسلامی را نمی‌پذیرد» برگزار کردند و حامد ابونصر مرشد عام بیانیه‌های انتقادی بیشتری نیز به دنبال آن منتشر ساخت. ۲۴ همچنین انجمن پزشکی تحت کنترل اخوان المسلمین يك گردهم‌آیی توده‌ای سازماندهی کرد که در حدود بیست هزار نفر از حامیان گروه در آن حضور داشتند و چند چهره برجسته در آن به سخنرانی پرداختند. ۲۵ در پی این حوادث، یکصد و هشتاد و پنج نفر، از جمله پانزده عضو معروف اخوان المسلمین به اتهام توزیع جزوات مخالف با کنفرانس مادرید دستگیر شدند. ۲۶ عبدالحلیم موسی وزیر کشور اظهار داشت که دستگیر شدگان «افراطیون، تروریست‌ها، قشری‌ها و عوامل نفوذی» بوده‌اند. ۲۷

دستگیری و بازداشت اعضای اخوان المسلمین در زمان کنفرانس مادرید و اعتراضات به آن افشاکننده يك رشته تلاشهای هماهنگ در سطح ملی از جانب وزارت کشور برای کسب اطلاعات درباره اخوان و عقاید اعضای آن بود. نکته مهم و جالب این است که برخی از اخوانی‌های دستگیر شده که در ۱۹۹۱ تحت بازجویی قرار گرفتند، بار دیگر در ۱۹۹۵ در برابر دادگاه نظامی بازجویی شدند. ۲۸ شواهد مربوط به تجربیات آنان طی بازداشت در سال ۱۹۹۱ نشان‌دهنده هماهنگی نزدیک نیروهای امنیتی داخلی و بازجویان محلی بود که تلاش داشتند اعضای

به توریست‌ها، مسیحیان و مقامات حکومتی را محکوم ساخت. با وجود این، به استفاده از زبان غیر صریح در بیانیه‌های علنی خود ادامه داد و این برای رژیم حامل پیام‌های دویپهلو بود. یک نمونه از این موارد، بیانیه مأمون هضیبی سخنگوی اخوان در رابطه با محکوم کردن ترور فرج فوزه نویسنده برجسته غیر مذهبی از سوی مبارزان اسلامی در ژوئن ۱۹۹۲ بود. هضیبی ضمن محکوم کردن این قتل، به این نکته اشاره کرد که به دلیل «مقالات، کتابها و شیوه تحریک آمیزی که فوزه به اسلام حمله می کرد» قتل او «قابل انتظار بود [چون] بسیاری از مردم نمی توانستند این نوع گفته‌ها را تحمل کنند و خشم خود را فرو نگهدارند».<sup>۳۳</sup>

با تداوم حملات مسلحانه اسلام گرایان و عکس‌العمل‌های مشابه اخوان، رژیم در ۳۱ مارس ۱۹۹۳ خشم خود را آشکار ساخت و به گفته بنگاه خبری خاورمیانه\* عبدالحمید موسی وزیر کشور «گروه‌ها و انجمن‌های مذهبی، از جمله اخوان المسلمین را تشویق کرد تا آشکارا موضع خود را در برابر تروریسم اعلام کنند. وزیر کشور گفت که شرایط، راه‌حلهای جزئی، مواضع درنگ آمیز یا سکوت را اقتضا نمی کند».<sup>۳۴</sup>

تحولات دیگر این دوره - یعنی کار موفقیت آمیز و پرثمر اخوان در انجمن‌های حرفه‌ای - باعث اتخاذ یک رشته اقدامات سرکوبگرانه علیه گروه شد. این اقدامات در زیر به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

### اخوان المسلمین در جامعه مدنی: چالشی برای مشروعیت دولت

نفوذ فزاینده اخوان المسلمین در انجمن‌های حرفه‌ای برای رژیم هشدار قابل ملاحظه بود. از اوایل سالهای دهه ۱۹۸۰، گروه یورش مهمی را در درون شوراهای مدیریتی انجمن‌های حرفه‌ای کشور آغاز کرد که تا حال حاضر نیز ادامه یافته است: تا سال ۱۹۹۰ با کسب پیروزی‌های انتخاباتی، کنترل سیاسی اغلب انجمن‌های حرفه‌ای پزشکان، مهندسان، دندانپزشکان، بازرگانان و داروسازان را به دست گرفت؛ در سپتامبر ۱۹۹۲ اکثریت کرسی‌ها (۱۴ از ۲۵) در شورای مدیریتی انجمن مشهور و کلای دادگستری به دست آورد. این حادثه به گفته یک روزنامه نگار «موج شگفتی را در محافل لیبرال و غیر مذهبی در مصر و سایر نقاط جهان عرب به راه انداخت».<sup>۳۵</sup> پیروزی اخوان المسلمین در انجمن و کلا اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد، چون نشانه پایان روابط نزدیک حزب دموکراتیک ملی حاکم و انجمن و کلا بود که در گذشته باعث مشروع جلوه دادن قوانین دولتی و سایر سیاستهای آن می شد.<sup>۳۶</sup> گذشته از این، اخوان المسلمین امیدوار بودند که از موضع قدرت جدید خود در انجمن و کلا، از نفوذشان برای قضات و نمایندگان مجلس به منظور دست‌یابی به هدفشان در گنجاندن حقوق اسلامی در قانون اساسی مصر استفاده کنند. نبیل عبدالفتاح عضو مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک وابسته به روزنامه الاهرام پیروزی اخوان المسلمین

اخوان المسلمین را به تسلیم و سکوت مجبور کنند. صلاح عبدالمقصود روزنامه نگار که در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۱ دستگیر شد، بوسیله بازرسی امنیتی کشور - نهاد قدرتمند امنیت داخلی مصر - به مدت چهار روز تحت بازجویی قرار گرفت. او پس از آن به نزد دادستان امنیتی کشور آورده شد، و بنا به نوشته «میدل ایست و اج» (یک نشریه گروه حقوق بشر مربوط به خاورمیانه - م) «دادستان از او در مورد عقایدش در اخوان المسلمین و در مورد مقالاتی که برای چند روزنامه نوشته بود بازپرسی کرد. از او پرسیده شد که چرا با مداخله خارجی در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس مخالفت ورزیده و چرا مخالف کنفرانس صلح مادرید بوده است».<sup>۳۹</sup> مقصود همچنین به «مکالماتی» که با افسران امنیتی داشت اشاره کرد و هدف آنان را «اعمال فشار بر من» توصیف کرد. او گفت: «به من توصیه کردند اندیشه‌های خود را تغییر دهم».<sup>۳۰</sup>

به همین ترتیب، محمد عبدالمنعم بازرس شصت ساله وزارت آموزش و پرورش و رهبر اخوان در اسکندریه نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. به گفته او «در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۱ ده افسر امنیتی و مخبرین دولت در ساعت یک پس از نیمه شب به خانه من آمدند و اغتشاش آفریدند».<sup>۳۱</sup> پس از شش روز بازداشت، سرانجام او را به بازپرس معرفی کردند و او نیز وی را به «سازماندهی یک طرح جنایتکارانه برای راه انداختن تظاهرات مسلحانه با استفاده از چاقو و سایر سلاحها» متهم کرد. به گفته او، بازپرس پس از اینکه هیچ مدرکی به دست نداد خطاب به او گفت «ما به دستگیری تو کار نداریم، بلکه در مورد یک قضیه جنایی [از تو] سؤال می کنیم». به نوشته میدل اسمیت و اج، بقیه این جلسه «به سؤالاتی در مورد اهداف اخوان المسلمین و عضویت عبدالمنعم و نظرات خود او» و همچنین پرسشهای مربوط به کنفرانس مادرید اختصاص داده شد.<sup>۳۲</sup>

پس از ۱۹۹۱ تغییرات سیاسی مهمی رخ داد که روابط دولت و اخوان را بیشتر تیره ساخت. در سال ۱۹۹۲، دولت مبارک خود را در گیر کشمکش خونین با اسلام گرایان رادیکال یافت که در برابر دولت به اسلحه متوسل شدند و دست به حملات آشکار علیه نیروهای امنیتی در مصر علیا و علیه مقامات حکومت در قاهره زدند. در مه ۱۹۹۲، سیزده مسیحی در دهکده‌ای در جنوب دیروت در مصر علیا توسط مبارزان اسلامی کشته شدند تا بدین ترتیب «ضعف» رژیم به هنگامی که مبارزان قادر به حمله به نیروهای امنیتی نبودند آشکار شود. در اکتبر همان سال نخستین رشته از حملات مسلحانه به توریست‌ها به وقوع پیوست، که ضمن یکی از آنها یک شهروند انگلیسی مجروح شد و توجه مطبوعات بین‌المللی به موضوع جلب گردید. خودداری اخوان المسلمین از محکوم کردن آشکار چنین حملاتی، خشم رژیم زخم خورده را برانگیخت و اخوان برای موضع گیری علنی برضد این حملات تحت فشار قرار گرفتند.

در نتیجه، اخوان المسلمین با اگره تلاشهایی برای دور ساختن خود از گروه‌های اسلام گرای طرفدار خشونت به عمل آورد و حمله



را ناشی از ترکیب چند عامل، از جمله بیکاری و سرخوردگی و کلای جوان می دانست:

سندیکا (انجمن) و شورای مدیریت آن هیچ توجهی به مشکل بیکاری و کلای جوان یا مسایلی نظیر آموزش حقوقی مدرن نداشت. وضع روانی ناشی از بیکاری سیل خشم را به راه انداخت و به دلیل نداشتن هیچ نقش سیاسی، سندیکا هیچ منفذ یا کانالی به منظور هدایت کردن خشم مذکور در يك جهت سالم پیدا نمی کرد. بدین خاطر جوانان به سوی پویاترین نیروی جامعه یعنی اسلام گرایان که تجسم خشم نسبت به دولت و نیروهای تشکیل دهنده شورای انجمن و کلا بودند روی آوردند. ضعف سایر نیروهای سیاسی، بی حاصلی نظرات و دوری آنها از نسل جوان و کلا، به ایجاد يك زمینه پربار برای فعالیت مؤثر اسلام گرایانه در داخل بزرگترین حوزه تفکر لیبرال در مصر کمک کرد.<sup>۳۷</sup>

اخوان المسلمین از اواخر دهه ۱۹۸۰ به گونه ای فزاینده از اهرم انجمن های حرفه ای برای چالش مستقیم با سیاست های دولت استفاده کردند و فعالیت اجتماعی خود را که قبلاً به کار از طریق جوامع خیریه و دیگر سازمان های داوطلب خصوصی بود، گسترش دادند. در سطح انجمن های حرفه ای، اخوان استراتژی رفاه اجتماعی خود را گسترش دادند و برنامه های متعددی برای اعضا نظیر برنامه های بیمه بهداشتی فردی و خانوادگی برای تقریباً بیست و پنج هزار عضو انجمن پزشکی قاهره به اجرا در آوردند.<sup>۳۸</sup> برنامه های مشابه چون برنامه همبستگی اجتماعی (برنامه بیمه ای که بر طبق اصول اسلامی سازماندهی گردید) در انجمن و کلا طراحی شد تا بدان طریق به طبقه متوسط آسیب پذیر و محروم که در غیر این صورت از این خدمات حمایتی محروم بودند کمک برسد. مأمون هضیبی سخنگوی اخوان در رابطه با تأثیر فعالیت های سازمان در انجمن ها چنین گفت: «از زمانی که اخوان المسلمین فعالیت های خود را در انجمن ها شروع کرده، همه چیز تغییر یافته است. هیئت های اتحادیه بار دیگر فعال شده اند و این، منافع علمی و معیشتی برای اعضای آنها، آنهم بویژه اکنون در زمانی که بحران اقتصادی همه را خفه می کند، به بار آورده است».<sup>۳۹</sup>

سلطه اخوان المسلمین بر انجمن های حرفه ای، مکانیسم نیرومندی در اختیار آن گذاشت تا انواع خدمات شبه رفاهی برای طرفداران، اعضا یا حامیان بالقوه اش فراهم سازد. برنامه های مربوط به ساختن خانه های ارزان قیمت برای حرفه ای ها، اعطای وام های نقدی به اعضا، بیمه های درمانی، و برنامه های آموزشی از جمله انواع خدماتی است که انجمن های تحت حمایت اخوان المسلمین برای اعضا تدارك دیده اند.<sup>۴۰</sup> به گفته رفعت السعید، نایب رئیس حزب غیر مذهبی تجمع، انجمن و کلا مرکب از یکصد و چهل هزار و کیل دادگستری دارای مدارك حقوقی است که بسیاری از آنان بیکار بوده و قادر به پرداخت حق عضویت خود در انجمن نمی باشند. حال يك و کیل جوان احتمالاً درباره گروهی که حق عضویت او را پرداخته و او را به آغوش می کشد، چگونه فکر می کند؟.<sup>۴۱</sup>

کنترل انجمن ها از سوی اخوان المسلمین، همچنین دسترسی گروه را به منابع مالی عظیمی برای بسیج حوزه های تحت نفوذش فراهم ساخت. انجمن مهندسان، که ثروتمندترین انجمن حرفه ای مصر می باشد، دویست هزار عضو دارد که حق عضویت خود را می پردازند. بر طبق برخی تخمین های مربوط به اوایل ۱۹۹۵، کل سرمایه ها (از جمله سرمایه گذاری ها) به حدود شصت میلیون لیره مصری (۱۵ میلیون دلار) می رسیده؛<sup>۴۲</sup> تحقیقات و بازرسی های اخیر - که شاید اغراق آمیز هم باشد - پیرامون سوء استفاده از وجوه در داخل انجمن ها، می تواند خود مختاری گروه را در زمینه تخصیص منابع مالی در راه تلاش های سیاسی خود نشان دهد. بر طبق اتهامات، روش های حسابرسی غیر دقیق از سوی اخوان المسلمین مورد بهره برداری قرار گرفته تا هدایای نقدی به اعضا و هواداران گروه داده شود، در پروژه های خدمات اجتماعی در خارج از انجمن (نظیر خانه سازی، بهداشت و...) سرمایه گذاری شود، و در بانکها و سایر مؤسسات تجاری طرفدار اخوان المسلمین پول پس انداز گردد. در سالهای اخیر، مورد انجمن مهندسان در این رابطه ذکر شده است.<sup>۴۳</sup> پوله های دیگری نیز احتمالاً صرف تلاش برای بسیج رأی دهندگان در داخل انجمن، سازماندهی کنفرانسها و سفرهای زیارتی - مذهبی، و حمایت از اقدامات بشردوستانه در افغانستان و بوسنی شده است.<sup>۴۴</sup>

محبوبیت فزاینده اخوان المسلمین در نزد مردم فقیر و طبقه متوسط و پائین مردم و میزان منابع مؤثر در دسترس آن، پس از حادثه زلزله ۱۹۹۲ که خرابی ها و مشقات زیادی برای هزاران نفر از ساکنان قاهره ایجاد کرد، مشخص شد. حساسیت قابل توجه دولت نسبت به محبوبیت بیشتر گروه نیز آشکار بود. از آنجا که اقدام سریعی از طرف دولت دیده نشد (چون زلزله روز پنجشنبه پس از تعطیل شدن اغلب ادارات دولتی روی داد)، اخوان المسلمین ابتکار عمل را در جمع آوری پول و توزیع لباس، غذا و سایر نیازها در خیابانها، از طریق کمیته رفاه بشردوستانه\* - که از سوی انجمن پزشکی تحت کنترل اخوان به وجود آمده بود - به دست گرفت. کمیته فوق همراه با انجمن مهندسان، به ایجاد مراکز کمکهای اولیه دارویی و پناهگاههای اضطراری برای زلزله زدگان دست زد و در همان حال پوسترهایی به نمایش گذاشت که روی آنها شعار معروف اخوان، یعنی «اسلام تنها راه حل است» (الاسلام هو الحل)، نوشته شده بود.<sup>۴۵</sup> به گفته یکی از تحلیل گران سیاسی مصری: «تا هنگام غروب آنان دو نماز گزاره بودند<sup>۴۶</sup> و هزاران نفر از مردم پول و کمکهای غیر نقدی [به مساجد محل] تحویل می دادند. روهم رفته سی و شش ساعت گذشته بود که دولت اقدامات خود را شروع کرد».<sup>۴۷</sup> اندکی پس از آنکه بی لیاقتی حکومت با کارایی اخوان المسلمین مقایسه شد، دولت يك اطلاعیه نظامی صادر کرد مبنی بر اینکه بر اساس قانون حالت فوق العاده، جمع آوری وجوه یا توزیع کالا جز از طریق وزارت رفاه اجتماعی یا هلال احمر ممنوع است.<sup>۴۸</sup> حکومت خشم خود را نسبت به اخوان المسلمین زمانی نشان داد که وزارت کشور به انتقاد آندسته از

بین‌المللی سازمان در خارج - که گروه منکر آن نبود - منتشر شد.<sup>۵۷</sup> در ژوئن ۱۹۹۳، بیست عضو با نفوذ گروه همراه با تعدادی از دانشجویان دانشگاهها به اتهام - باز هم به نوشته الشعب - «بهره‌برداری از موضوع مسلمانان بوسنی - هرزگوین به منظور راه انداختن تظاهرات ضدحکومتی»<sup>۵۸</sup> آنهم در آستانه فعالیت‌های دانشجویی طرفدار اخوان المسلمین در این رابطه، دستگیر شدند. این حرکت اخیر، ظاهراً شدت نارضایتی رژیم را از تازه‌ترین تلاش‌ها و کمک‌های انسانی آشکار و گسترده گروه پس از ابتکارات قبل مربوط به سومالی و افغانستان، نشان می‌داد.

ورای دستگیری فعالان اخوان المسلمین، دولت در ۱۹۹۳ ایجاد موانع قانونی بر سر راه دسترسی گروه به مؤسسات مدنی را آغاز کرد. در ۱۶ فوریه ۱۹۹۳ قانون مربوط به انجمن‌ها (قانون شماره ۱۰۰ سال ۱۹۹۳) توسط مجمع الشعب (پارلمان) تصویب شد و روز بعد از سوی حسنی مبارک رئیس‌جمهور تنفیذ گردید که هدف اولیه‌اش کارشکنی در راه موفقیت سازمان در انتخابات انجمن‌ها بود. در این قانون مقرر گردید که در انتخابات هیأت مدیره، باید پنجاه درصد اعضای ثبت‌نام شده انجمن بعنوان حدنصاب شرکت داشته باشند. موفقیت‌های گذشته اخوان المسلمین را می‌توان ناشی از سازماندهی ماهرانه حامیان آن در جریان حضور نسبتاً اندک رأی‌دهندگان دانست، دولت با تصویب قانون شماره ۱۰۰ امیدوار بود رأی‌دهندگان بیشتری را - بویژه از میان مخالفان اخوان - به مشارکت در انتخابات مجبور کند و بدین وسیله شانس گروه برای موفقیت را پائین آورد. قانون مذکور جمع‌آوری و جوره‌انیز ممنوع کرد تا بدین وسیله توان اخوان برای بسیج امکانات مالی در داخل انجمن‌ها را در راه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی اش محدود سازد.

بر اساس اصلاحات بعدی در قانون مذکور در فوریه ۱۹۹۵، انتخابات می‌بایست تحت نظارت قوه قضائیه برگزار شود. بدین ترتیب ناظران منصوب شده از طرف قضات دادگستری که طرفدار رژیم بودند در این مقام قرار داده شدند تا در انتخابات و شمارش آراء دستکاری کنند. این اصلاحات همچنین به قضات اجازه می‌داد تا صلاحیت نامزدها و فهرست رأی‌دهندگان قانونی را تعیین کنند و بدین ترتیب نظارت بی‌سابقه دولت بر انتخابات را برقرار سازند.

در مه ۱۹۹۳، دولت حمله خود به انجمن‌ها را شدت بخشید و انجمن پر قدرت مهندسان را پس از وارد آوردن اتهام سوء مدیریت مالی به هیأت مدیره تحت کنترل اخوان المسلمین با رأی دادگاه تحت کفالت خود قرار داد. در نتیجه، هیأت مدیره منحل شد و مدیران منصوب شده از سوی دادگاه جای آنان را گرفتند. مراکز اصلی انجمن در قاهره تحت نظارت نیروهای نظامی قرار گرفت تا نشان داده شود که دولت مصمم است سنگر گروه در داخل انجمن‌ها را ویران کند. در ۲۸ ژانویه ۱۹۹۵، یک دادگاه مصری انجمن و کلارا به دلایل مشابه تحت کنترل خود قرار داد، و این باعث شد که حمله به انجمن‌های تحت کنترل اخوان المسلمین شدت بگیرد.

کسانی که واکنش ضعیف دولت به بحران را با عکس‌العمل سایر گروه‌های غیردولتی مقایسه می‌کردند، پاسخ داد. در این اطلاعیه وزارت کشور بالحن شدیدی آمده بود که «بعضی‌ها سعی می‌کنند از این فاجعه در جهت اهداف سیاسی خود بهره‌برداری کنند». این سخن آشکارا به اخوان المسلمین اشاره داشت.<sup>۴۹</sup>

همراه با گسترش این نوع از فعالیت‌های اخوان المسلمین، حوادث دیگری پیش آمد که نشان داد دولت تصمیم گرفته است با قدرت تفهیم کند که گروه از حد خود فراتر رفته است. در دسامبر ۱۹۹۲، به دنبال زلزله [قاهره] (و پیروزی اخوان المسلمین در انجمن و کلا)، چند تن از اعضای سازمان بر اساس اتهامات واهی و مبهم نظیر «برقراری تماس با عناصر خارجی، صدور بیانیه و دادن گزارشهایی به خبرگزاری‌های خارجی به منظور ایجاد سردرگمی، تحریک شهروندان، و مخدوش کردن چهره مصر در خارج» دستگیر شدند.<sup>۵۰</sup> پیش از این حادثه نیز، در ژوئن ۱۹۹۲ پنجاه عضو اخوان بر اساس انتخابات مبهم مشابه یعنی تلاش برای توزیع جزواتی که «دعوت به اغتشاش می‌کرده» دستگیر شدند.<sup>۵۱</sup> به گفته یک مقام دانشگاهی، «این دستگیری‌ها به این منظور صورت گرفت تا به گروه هشدار داده شود که شکیبایی دولت را مسلم فرض نکند».<sup>۵۲</sup> یک مبارزه جدید علنی به منظور مربوط ساختن گروه با تروریسم که در مقالات مجلات نیمه رسمی مصر یعنی روزالیوسف و المصور و روزنامه الاخبار منعکس گردید، شروع شد. در این مقالات گروه (به گفته مأمون هضیبی سخنگوی اخوان) به دروغ متهم شده بود که از فعالیت‌های تروریستی حمایت کرده است.<sup>۵۳</sup>

مدتی پیش از آن در فوریه همان سال (۱۹۹۲) نیروهای امنیتی به دفتر شرکت کامپیوتری سلسبیل - که به اعضای بانفوذ اخوان تعلق داشت - هجوم بردند، و به گفته خودشان طر‌حهای مفصل پروژه‌های طبقه‌بندی شده نظامی، فعالیت‌های مربوط به پخش اطلاعات نادرست در میان مطبوعات، و طر‌حهای مربوط به تقلب در انتخابات انجمن‌ها را کشف کردند. از جمله مسایلی که گفته می‌شد کشف شده است، اسناد مربوط به طرح اخوان المسلمین برای سرنگون کردن حکومت بوده است.<sup>۵۴</sup> از ۱۹۹۲ به بعد نیز از همین شیوه‌ها یعنی دستگیری اعضای و بازجویی از آنان توسط بازپرسان، و سپس آزادی بدون محکومیت آنان، به منظور اعمال فشار بر گروه استفاده شد. به نوشته روزنامه الشعب طرفدار اخوان المسلمین، دستگیری یازده عضو گروه در دسامبر ۱۹۹۲ به بهانه قضیه شرکت سلسبیل صورت گرفت که «به منبع اصلی اعمال فشار بر جنبش اخوان المسلمین تبدیل شده است».<sup>۵۵</sup> قضیه سلسبیل بیانگر آغاز یک تاکتیک جدید دولتی در راستای استراتژی آشکار رویارویی آن [با اخوان - م] بود.

در اوایل ۱۹۹۳، مقالات متعددی در مطبوعات نیمه رسمی به چاپ رسید که در آنها به اصطلاح «انترناسیونالیسم» گروه و منابع مالی عظیم آن مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته بود.<sup>۵۶</sup> در طول سال ۱۹۹۳، مطالب زیادی پیرامون تماسهای گروه با «طر‌فهای خارجی» و وجود شاخه‌های



در ژوئن ۱۹۹۴ اقدامی مشابه با قانون انجمن‌ها صورت گرفت و قانون دانشگاه‌های مصر اصلاح شد تا حضور نیرومند اخوان المسلمین در باشگاه‌های دانشکده‌ها تضعیف گردد. در فاصله ۱۹۹۰ و ۱۹۹۳، اخوان اکثریت را در شوراهای مدیریتی باشگاه‌های دانشکده‌ها در دانشگاه زقازیق، اسیوط و قاهره به دست آوردند و توانستند برای بیان نظرات خود به جامعه دانشگاهی، منابع و فرصت‌های مهمی کسب کنند.<sup>۵۹</sup> این اصلاحیه جدید با لغو سنت انتخاب رؤسای دانشکده‌ها، استقلال فوق‌را از میان برداشت. در حال حاضر رؤسای دانشکده‌ها به جای انتخاب شدن از سوی اعضای دانشکده‌ها، از سوی رؤسای دولتی دانشگاه‌ها منصوب می‌شوند. گذشته از این، شوراهای دانشگاه‌ها که در گذشته از اعضای منتخب تشکیل می‌شد، از سوی مقامات انتصابی دولتی کنترل می‌شود.<sup>۶۰</sup> اخوان المسلمین قادر بود از طریق سیستم گذشته به حمایت و انتخاب نامزدهای طرفدار مواضع خود دست بزند. قانون جدید، منجر به مدیریت متمرکزتر دانشگاه‌ها از سوی مدیران طرفدار دولت شده است تا نفوذ اخوان المسلمین در صحنه دانشگاه‌ها در سراسر مصر ریشه کن گردد.

### انجمن و کلا و مرگ عبدالحرث مدنی

در مه ۱۹۹۴ روابط دولت با اخوان المسلمین در اثر حوادث مربوط به انجمن و کلائی تحت کنترل اخوان بدتر شد. در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲، عبدالحرث مدنی و کیل ۳۲ ساله اسلام گرایک روز پس از دستگیری در دفتر و کالتش در جیزه، در حالی که در بازداشت نیروهای امنیتی دولت به سر می‌برد، در گذشت. به مدت یک هفته یعنی تا ۷ مه نه خانواده‌اش از مرگ او مطلع شدند و نه مقامات انجمن و کلا. این حادثه واکنش شدید و کلا را به دنبال داشت که در گذشته از مبارزه نیروهای امنیتی با این حرفه قانونی به شدت به هراس افتاده بودند. این نگرانی بویژه در میان و کلائی مدافع اسلام گرایان، که سی نفر از آنان بدون اتهام در بازداشت به سر می‌بردند، افزایش یافت و باعث واکنش شدید شد. در ۱۷ مه، چند صد و کیل مصری از مرکز اصلی انجمن و کلائی قاهره در اعتراض به مرگ مدنی دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان با خشونت از سوی نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش پراکنده شدند. به دنبال این واقعه، سی‌وسه و کیل از جمله اعضای شورای انجمن و کلا مختار نوح، خالدبدایوی و جلال سعد که همگی عضو اخوان بودند دستگیر شدند. پس از مدتی چند و کیل دیگر نیز که در میان آنان فعالان غیر مذهبی و طرفدار حقوق بشر دیده می‌شدند، بازداشت گردیدند. دو ماه پر آشوب از این حوادث گذشت و در جریان آن یک جبهه متحد از سوی تمامی و کلائی دارای مواضع سیاسی گوناگون به وجود آمد که خواستار تحقیق پیرامون مرگ عبدالحرث مدنی و آزادی همه و کلائی بازداشت شده بود. طی این مدت توجه و دقت بین الملل معطوف به حوادث مذکور شد و انتقاد

بی‌امان همه گروه‌های مخالف اصلی کشور و اعتصاب غذای عبدالعزیز محمدرئیس انجمن و کلائی قاهره و از فعالان برجسته حزب وفدرا به همراه داشت.

با اینکه اخوان المسلمین دخالت خود را در این حوادث تکذیب کرد، مقامات دولتی و مطبوعات نیمه رسمی برای عقیده بودند که اخوان المسلمین به خاطر تحت کنترل داشتن انجمن و کلا، محرک اولیه تظاهرات و قیام‌ها و قیام بعدی ناشی از آن بوده است. با این همه، برخی از فعالان سیاسی و اخوان المسلمین بر این عقیده بودند که دولت از اعتراض انجمن و کلا به عنوان بهانه‌ای برای از میان بردن آزادی مخالفان سیاسی و بویژه حمله به اخوان المسلمین استفاده کرده است.<sup>۶۱</sup> انگیزه مذکور هر چه بود، پاسخ دولت در ماه‌های بعدی افزایش سرکوب و وارد آوردن فشار به گروه بود.

در دوره پس از تظاهرات ۱۷ مه، مبارزه مطبوعاتی بی‌سابقه‌ای برضد سازمان اخوان به راه افتاد. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر طی مصاحبه‌ای با نشریه آلمانی اشپیگل - که به نحو وسیعی در مصر پیرامون آن تبلیغ شد - اظهار داشت که اخوان المسلمین «یک سازمان غیر قانونی است که در پشت سر اغلب فعالیت‌های مشکل آفرین مذهبی قرار گرفته است».<sup>۶۲</sup> حسن العلفی وزیر کشور که پیش از آن در ۱۹۹۴ اخوان را یک گروه میانه‌رو و طرفدار عدم خشونت توصیف کرده بود، آشکارا اخوان را به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی متهم کرد.<sup>۶۳</sup> در طول تابستان تعداد بیشتری از اعضای اخوان المسلمین به اتهام «حمایت مالی از تروریسم»<sup>۶۴</sup> دستگیر شدند. حسنی مبارک طی مصاحبه‌ای با روزنامه نیویورک تایمز اشاره کرد که طرح‌هایی برای نابودی قطعی گروه در دست است. او طی این مصاحبه گفت: «باید به شما بگویم که تمامی مشکل مربوط به تروریسم در سراسر خاور میانه، چه الجهاد یا حزب الله در لبنان باشد، چه حماس، از اخوان المسلمین غیر قانونی خودمان سرچشمه می‌گیرد. اینها همه از زیر چتر اخوان المسلمین بیرون می‌آیند. آنها می‌گویند خشونت را تفسیح کرده‌اند، اما در واقع مسئول تمامی این خشونت‌ها هستند و زمانی خواهد رسید که افشا خواهند شد».<sup>۶۵</sup> در واقع اندکی بعد، حکومت تلاش بی‌سابقه‌ای برای دستگیری چهره‌های برجسته اخوان آغاز کرد و در نهایت در سپتامبر ۱۹۹۵ آنان را به دادگاه عالی نظامی فرستاد.

### سرکوب ۱۹۹۵

همراه با نخستین موج دستگیری چهره‌های برجسته اخوان المسلمین در اوایل ۱۹۹۵، مبارزه مطبوعاتی حکومت دوباره شدت یافت. سر لشکر محمد عبدالفتاح رئیس عملیات امنیتی در المینا طی مصاحبه‌ای با الاهالی چنین توضیح داد: «از نظر من میان کسانی که خودشان را گروه اسلامی می‌خوانند و آنان که خود را اخوان المسلمین

آینده بود. این اقدامات به شکل فرستادن بسیاری از رهبران اخوان و اعضای آن به دادگاههای نظامی و محکوم کردن برخی از آنان به زندان، آنهم درست چند روز قبل از انتخابات به اجرا درآمد. گذشته از این، نامزدهای اخوان المسلمین در جریان مبارزات انتخاباتی مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، تابلوهای تبلیغاتی آنها پاره شد و از سازماندهی تظاهرات و کنفرانسهای آنان ممانعت به عمل آمد. اوج این اعمال، دستگیری جمعی هزار نفر از نمایندگان و نامزدهای اخوان المسلمین طی اولین و دومین دور انتخابات بود.<sup>۷۴</sup>

گذشته از این، دولت با احضار ۸۱ عضو اخوان به دادگاه نظامی در سپتامبر ۱۹۹۵، فشار فزاینده‌ای بر اعضای محلی و پائین رتبه اخوان که تلاش می کردند عموم مصری‌ها را نسبت به سرکوب ۱۹۹۵ و بویژه خود محاکمات آگاه کنند، وارد ساخت. نشانه‌های حمله تمام عیار دولت به طرفداران محلی اخوان در رابطه با سرکوب در نیمه دوم سال ۱۹۹۵، بیش از حد آشکار گردید. کادریایی که تلاش می کردند از طریق مطبوعات و با توسل به روشهای دیگر به کارهای دولت اعتراض کنند، خود در معرض دستگیری قرار گرفتند. در اکتبر ۱۹۹۵ خبرگزاری خاورمیانه گزارش داد که بازرسی امنیتی کشور شش عضو اخوان را در شهر اسکندریه به اتهام تلاش برای «ایجاد خصومت عمومی نسبت به رژیم مشروع در کشور» دستگیر کرده است.<sup>۷۵</sup> خبرگزاری خاورمیانه به نقل از یک منبع امنیتی گفت که بازرسی امنیتی کشور پی برده است که «عناصر اخوان المسلمین که در اسکندریه فعال هستند، تلاش می کنند به بهانه اینکه رژیم با اسلام و مسلمین می جنگد، به خصومت عموم نسبت به رژیم مشروع موجود دامن بزنند. آنها این امر را بهانه کردند تا محاکمه کنونی تعدادی از رهبران گروه غیر قانونی توسط دستگاه قضایی نظامی را مورد حمله قرار دهند».<sup>۷۶</sup>

مصطفی مشهور، معاون مرشد عام سازمان در آن زمان [مرشد عام کنونی]، اهداف سرکوب را به درستی ارزیابی کرد:

هدف این حمله، ایجاد اختلال در فعالیت رهبران فعال اتحادیه‌ها و شخصیت‌های عمومی درگیر در فعالیت‌های عمده و افشاندن بذرتس در دل دیگران است. این بخشی از یک مبارزه طراحی شده دقیق برای بازداشتن آنها از مشارکت در انتخابات اتحادیه‌ها و انتخابات پارلمانی امسال است که در آن شاهد انتخابات برای چهارده اتحادیه، مجمع الشعب [پارلمان] و شورای مشورتی خواهیم بود. به عبارت دیگر، امسال سال فعالیت‌های سیاسی است و حکومت به دلیل ضعف خود، بانبروهای فعال در جامعه، که فعال‌ترین آنها اخوان المسلمین است، مخالفت می کند.<sup>۷۷</sup>

با نزدیک شدن انتخابات نوامبر ۱۹۹۵، محاکمه هشتادویک تن از اعضای اخوان که در سپتامبر آن سال به دادگاه نظامی فرستاده شده بودند به جریان افتاد. از دید ناظران مستقل، محاکمات بر طبق ضوابط بین‌المللی مربوط به محاکمه عادلانه صورت نگرفت، و نتیجه آن از قبل معلوم بود. دادگاه برای پنجاه و چهار متهم مجازات زندان تعیین و دستور

می‌دانند فرقی وجود ندارد.<sup>۶۶</sup> بر این اساس، من طرح خود را برای رویارویی، که البته نمی‌توانم آن را فاش کنم، ریخته‌ام».<sup>۶۷</sup> خبرگزاری خاورمیانه گزارشهای بیشتری از دستگیری‌ها در ماه مارس منتشر کرد. گفته شد که اخوان از کمیته کمکهای بشر دوستانه بهره‌برداری کرده و از آن در بوسنی و سومالی بعنوان جبهه آموزش نظامی و تهیه اسلحه برای اقدامات تروریستی که ابتدا در افغانستان شروع شد، استفاده نموده است.<sup>۶۸</sup> در گزارشهای مربوط به دستگیری‌ها گاه به گاه - آنهم بدون ارائه مدرک - به دخالت اخوان المسلمین در تروریسم و استفاده از انجمن‌ها بعنوان جبهه‌هایی برای تروریسم اشاره می‌شد.<sup>۶۹</sup>

با نزدیک شدن انتخابات نوامبر ۱۹۹۵، سرکوب و فشار دولت آنهم بیشتر بر نامزدها و حامیان اخوان المسلمین شدت می‌یافت. عاملی که احتمالاً به سرکوب دولت شدت بخشید تلاش آشکار اخوان المسلمین برای شرکت مجدد در سیاستهای پارلمانی پس از وقفه ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ بود. سیستم نامزدی فردی به جای سیستم فهرست حزبی به اخوان اجازه می‌داد از محبوبیت و شهرت اعضای خود در مبارزات استفاده کند. احمد سیف الاسلام حسن البنا رئیس انجمن ملی و کلا و فرزند حسن البنا بنیانگذار اخوان المسلمین، تغییر سیاست دولت در قبال نامزدهای اخوان المسلمین در انتخابات گذشته و آزمون را تشریح کرد. به گفته او: «اکنون اوضاع بدتر شده است. در ۱۹۸۷ آزادی بیشتری [در مبارزات انتخاباتی] وجود داشت اما حکومت در نتایج آراء بسیاری از نامزدها [ی اخوان] دست برد. در ۱۹۸۷ نیز دستگیری صورت گرفت اما نه به اندازه‌ای که اکنون صورت می‌گیرد. در آن زمان حکومت پی نبرده بود که ما تا چه حد قدر تمند هستیم».<sup>۷۰</sup>

با وجود دستگیری نامزدهای برجسته اخوان المسلمین در انتخابات در ژانویه ۱۹۹۵، در حدود یکصد عضو سازمان بعنوان افراد مستقل در انتخابات ۲۹ نوامبر و ۶ دسامبر شرکت کردند، اما آشکار بود که دولت تصمیم گرفته است مانع دستیابی آنان به کرسی‌های پارلمان شود.<sup>۷۱</sup> در فاصله ۱۵ نوامبر تا ۶ دسامبر ۱۹۹۵، مقامات تعداد ۱۳۹۲ نفر از کارگران، حامیان و ناظران رأی‌گیری در مبارزات انتخاباتی را که از اسلامگرایان بودند دستگیر کردند.<sup>۷۲</sup> گزارشهای تفصیلی سازمان حقوق بشر مصر\* در مورد انتخابات و مسائل پس از انتخابات نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی بطور سیستماتیک نامزدهای انتخاباتی اسلام‌گرا در سراسر کشور را هدف قرار داده بوده‌اند، و با استفاده از شیوه‌هایی چون ارباب، بازرسیهای غیرقانونی و بستن دفاتر مبارزاتی و دستگیری‌های خودسرانه که بر اساس عذر و بهانه‌های بازرسی امنیت کشور صورت می‌گرفت به این هدف دست می‌یافتند.<sup>۷۳</sup> مرکز کمکهای قانونی حقوق بشر\*\* مستقر در قاهره بطور دقیق انتخابات را دنبال نمود و پیرامون آن گزارش داد. این مرکز در گزارش خود چنین نوشت:

اقدامات محدود کننده در مورد اخوان المسلمین و متحد آن یعنی حزب کار نشانه یک گرایش سیاسی آشکار در داخل دولت برای محدود ساختن، هر چند نه محو کردن، نمایندگی اخوان المسلمین در پارلمان

## محتوی و نتایج سرکوب

این اقدامات آشکار ساخت که حکومت به گونه‌ای اجماع داخلی رسیده است که بر آن اساس قاطعانه بر ضد گروه دست به عمل بزند و آن را مجبور سازد تا فعالیت‌های خود را بطور زیرزمینی ادامه دهد. اندیشه‌ی ظاهری، پایان دادن به مشروعیت «غیررسمی» گروه بود که بطور موفقیت آمیز از اواسط دهه ۱۹۸۰ از آن به نفع خود استفاده کرده بود. تلاشهای صورت گرفته برای خارج ساختن انجمن‌ها و باشگاههای دانشکده‌های دانشگاهها از کنترل اخوان المسلمین، همراه با حملات مداوم مطبوعاتی به آن، حاکی از یک استراتژی روشن برای برخورد با گروه بعنوان یک موجود غیرقانونی - و بنابراین نامشروع - بود. امین النقاش روزنامه‌نگار مصری و وابسته به الاهالی طی تحلیلی در اوایل ۱۹۹۵، این روش را این گونه تشریح کرد:

شروع دستگیری چهره‌های اخوان المسلمین که اندکی پیش از انتخابات انجمن‌های حرفه‌ای بهار امسال و انتخابات مجلس الشعب [پارلمان] در پایان سال جاری صورت می‌گیرد، این نظر را تقویت می‌کند که جناحی از حکومت که بین اسلام‌گرایان میانه‌رو و افراطی تفاوتی قائل نمی‌شود در حال رشد است... حکومت تصمیم گرفته است نفوذ اخوان المسلمین را کاهش دهد و با آنها بعنوان یک جنبش غیرقانونی رفتار کند، هر چند بطور ضمنی به آنها اجازه داده بود طی چند سال گذشته به فعالیت مشغول شوند.<sup>۷۸</sup> [تأکید از ماست]

آشکار بود که استراتژی دولت جنبه دیگری هم داشت، و آن عبارت بود از: از بین بردن رهبری بویا و جوان سازمان و فلج ساختن بهترین سازمان‌دهندگان آن و در عین حال دست نزدن به بدنه اعضای آن. به گفته سلیم العوا و کیل اسلام‌گرا، محکومیت‌های شدید رهبران اصلی سازمان - که به ۳ تا ۵ سال زندان محکوم شدند - به نحو مؤثری آنان را از مشارکت در زندگی سیاسی برای ده سال پس از آزادی از زندان محروم می‌کند. گذشته از جلوگیری از فعالیت آنان بعنوان نامزدهای دو انتخابات پارلمانی بعدی، قانون اعمال حقوق سیاسی\* (قانون شماره ۷۳ سال ۱۹۷۷) مانع خدمت و فعالیت آنان در هیأت مدیره سازمانها و انجمن‌های حرفه‌ای خواهد شد. بر طبق این قانون، افراد برای مدتی دو برابر مدت محکومیت خود پس از آزادی از این فعالیت محروم خواهند بود.<sup>۷۹</sup>

اقدامات حکومت بر ضد اخوان المسلمین، باناشکیبایی روبه‌رشد دولت در برابر جلوه‌های دیگر مخالفت سیاسی همخوانی داشته است. اصلاحات «ضد تروریسم» در قانون جزا در ژوئیه ۱۹۹۲، انتشار مقالات «مضر به وحدت ملی و صلح اجتماعی» را جرم قلمداد می‌کند.<sup>۸۰</sup> در اکتبر ۱۹۹۳ از این قانون برای بازداشت و بازجویی از سه روزنامه‌نگار

نشریه الشعب طرفداران اخوان (که هر هفته دو شماره از آن منتشر می‌شد) به دلیل انتقاد صریح از رژیم استفاده شد. این بازداشت‌ها اولین مورد از سلسله اقدامات مشابه در مورد روزنامه‌نگاران مخالف بود. در مه ۱۹۹۵، مجمع الشعب (پارلمان) با عجله قانون شماره ۹۳ را به تصویب رساند، که به «قانون ترور آزادی مطبوعات» معروف شد. این قانون مجازاتهای شدیدتری برای تعقیب روزنامه‌نگاران بخاطر توهین به مقامات حکومتی تحمیل کرد، و با گزارشهای مطبوعاتی همزمان بود که در آن حسنی مبارک و حلقه داخلی حکومت او به فساد گسترده متهم می‌شدند. یک حمله موازی به آزادی بیان به شکل فشار شدید دولت بر سازمانهای مستقل حقوق بشر که یکی از چند راه انتقاد مستقل و غیرسیاسی از رژیم بودند، صورت گرفت.<sup>۸۱</sup>

اخوان المسلمین بعنوان بزرگترین و مؤثرترین گروه در جامعه مدنی مصر بیانگر نوعی تهدید برای ساختارهای ناشکیبای و منزوی قدرت دولت به حساب می‌آمد و در یک فضای سرکوبگرانه قربانی شد. به نظر می‌رسد که اخوان المسلمین به نوبه خود مصمم است در برابر سرکوب مقاومت کند و در عین حال به حمایت از هدف خود یعنی رسیدن به یک حکومت اسلامی در مصر و متعهد ماندن به راه حل عدم خشونت ادامه دهد. مصطفی مشهور مرشد عام منتخب جدید اخوان در ژانویه ۱۹۹۶ بر طرحهای گروه مبنی بر باقی ماندن بعنوان یک جریان میانه‌رو تأکید کرد و بارها آشکارا خواستار گفتگو با مقامات شد. به گفته او: «گفتگو در این مرحله ضروری است. این بهتر از همراه شدن با سایر گروههای مبارز است».<sup>۸۲</sup> او همچنین بطور اخص امکان هر گونه «فعالیت مخفی» اخوان المسلمین را رد کرد.<sup>۸۳</sup>

هلا مصطفی تحلیل‌گر [مسایل سیاسی] معتقد است که اخوان المسلمین یک روش محتاطانه در پیش خواهد گرفت و منتظر فرصت خواهد ماند. به گفته او: «گروه در حال حاضر در روابط خود با حکومت در حالتی بحرانی به سر می‌برد. اخوان همانند بحرانیهای سابق در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در جستجوی رویارویی برنخواهد آمد؛ در عوض به تقویت مواضع خود دست خواهد زد و منتظر خواهد ماند تا در فرصت مناسب به صحنه باز گردد».<sup>۸۴</sup> سکوت و صلابت خلاقانه کادرهای جوانتر گروه در طرحهای اعلام شده اخیر آن آشکار است که برای «حزب مرکز» (الوسط) که تازه به وجود آمده و بنیانگذاران آن گذشته از اخوان المسلمین، چپ‌گرایان و مسیحیان هستند خواستار موقعیت قانونی شده است. گرچه این طرح با تصور وسطیه (مرکزگرایی) که مصطفی مشهور بعنوان مرشد عام گروه وعده حمایت از آن داده است مطابقت دارد، اما او خود نسبت به چشم‌انداز قانونی شدن حزب جدید از سوی مقامات خوشبین نیست. به گفته او: «ما مانع حرکت جوانها نشدیم. آنان گفتند می‌خواهیم یک حزب تأسیس کنیم چون حکومت به ما مشروعیت نمی‌دهد و ما بعنوان افراد مسن تر آنان را متوقف نکردیم... اما کمیته حزبی [شورای حکومتی] آنها را نمی‌پذیرد و به



به گفته سلیم العوا وکیل برجسته اسلام گرا، اخوان المسلمین هنوز این تفسیر قانونی را دنبال می کنند و در اواخر ۱۹۹۵ نیز قضیه در دادگاه مطرح بوده است (مصاحبه در قاهره، ۲۵ نوامبر ۱۹۹۵).

5. Gilles Kepel, "Islamists Versus The State in Egypt and Algeria", *Deadalus*, 124, no.3 (Summer 1995) p.115.

6. Diaa Rashwan, "A Trial at the Polls", *Al-Ahram Weekly*, 21-27 September 1995.p.2.

عمر تلمسانی مرشد عام اخوان المسلمین طی مصاحبه ای در ۱۹۸۴ گفت: «همان گونه که می گوئید ما ۲۲ نامزد داشتیم. اگر ۵ نفر آنها هم برنده می شدند ما راضی بودیم». نگاه کنید به «رهبر اخوان المسلمین در مورد انتخابات و سیاست آن سخن می گوید» در *المجله* (۹-۱۵ ژوئن ۱۹۸۴)، صص ۹-۱۰. این مصاحبه در اثر زیر هم آمده است:

FBIS, 13 June 1984, p.D-2.

8. Rashwan, p.2.

۹. *المجله* (۹-۱۵ ژوئن ۱۹۸۴)، صص ۹-۱۰.

10. Barry Rubin, *Islamic Fundamentalism in Egyptian Politics* (New York: St. Martin's Press, 1990) p.23.

11. Sana Abed - Kotob, "The Accommodationists Speak: Goals and Strategies of The Muslim Brotherhood of Egypt", *International Journal of The Middle East Studies*, 27.no.3 (August 1995) p. 329.

12. Ahmed Abdolla, "Egypt's Islamists and The State From Complicity to Confrontation", *Middle East Report* (July - August 1993) p.29.

13. "Extremists Secret Arm of Muslim Brotherhood", *Agence France Presse*, 17 April 1989, in FBIS, 18 April 1989, p.11.

14. The Egyption Organization for Human Rights, "A New Series of Arbitrary Arrests in Egypt", 26 September 1989, pp.1-3.

۱۵. مجدی حلمی «دستگیری اعضای اخوان المسلمین»، *الوفد*، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۹ ص ۲. همچنین نگاه کنید به ترجمه انگلیسی مقاله در FBIS, 27 September 1989.p.13-14.

16. Middle East Watch, "Egypt: Election Concerns", 15 November 1990, p.8.

17. *Ibid.*

18. *Ibid.*

19. Rashwan, p.2.

20. Ami Ayalon, ed., *Middle East Contemporary Survey*, Vol. XV (Boulder Co: Westview Press, 1991) pp. 351-52.

۲۱. مصاحبه با مختار نوح، قاهره ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵ و مصاحبه با احمد سیف الاسلام حسن البناء، قاهره، ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۲. محمد حامد ابوالنصر «اخوان المسلمین گفتگوهای فروش راردر می کند»، *در الشعب*، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱، صص ۹-۱۰. این مصاحبه در منبع

آنها اجازه فعالیت نخواهد داد». ۸۵. با این همه، بویژه اگر دولت برضد گروه بعنوان يك سازمان قانونی اقدام کند، حزب الوسط می تواند مکانیسم حمایتی موقتی برای اعضای اخوان در جهت مشارکت در سیاست به حساب آید. آینده نشان خواهد داد که حکومت مبارك چه پاسخی به روش اخوان المسلمین می دهد».

## زیر نویس ها

۱. به گزارش سازمان مصری حقوق بشر [EOHR] مستقر در قاهره، افراد در این محاکمات به موارد زیر متهم شدند: «وابستگی به گروهی که برخلاف قانون و قانون اساسی تأسیس شده است؛ برگزاری جلسات و سمینارها در استانهای مختلف به منظور جذب اعضای جدید به گروه منحلۀ اخوان المسلمین؛ ایجاد يك شورای مشورتی در داخل گروه؛ تهیه و توزیع جزوات ضد حکومت و کمک مالی به خانواده افراد بازداشت شده در ارتباط با خشونت و تروریسم». رجوع کنید به:

The Egyptian Organization for Human Rights, "Un-fair Trials" 25 November 1995, p.2.

2. Saad Eddin Ibrahim, "Civil Society and Electoral Politics in Egypt", *Civil Society* (December 1995) p.6.

۳. انتخابات برای ۴۴۴ کرسی پارلمان در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۵؛ و دور دوم آن در ۶ دسامبر ۱۹۹۵ برگزار شد. برای اطلاعات بیشتر پیرامون مداخلۀ حکومت در فرایند انتخابات، نگاه کنید به:

The Center for Human Rights Legal Aid, "CHRLA's Final Report on The Legislative Elections in Egypt 1995", December 1995, and The Egyptian Organization for Human Rights, "Democracy Jeopardized", December 1995.

۴. اخوان المسلمین پس از پیروزیهای انتخاباتی اش در ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷، در چند مورد از حکومت خواست تا آراء بعنوان يك حزب به رسمیت بشناسد اما موفق نشد. رهبران و وکلای اخوان المسلمین به مخالفت با اظهارات مقامات مبنی بر اینکه سازمان غیر قانونی است ادامه داده اند. در ۱۹۹۲، از مأمون هضیبی سخنگوی اخوان طی مصاحبه ای پیرامون تصمیم اخیر دادگاه عالی اداری مبنی بر ردّ درخواست قانونی گروه در رابطه با تصمیم ژانویه ۱۹۵۴ شورای فرماندهی انقلاب در انحلال سازمان سؤال شد. او در پاسخ گفت: «تصمیم دادگاه اصلاح شده است. نشانه اش هم این است که ساختمان اخوان المسلمین به گروه پس داده شده و اخوان اجازه فعالیت و انتشار روزنامه اش را به دست آورده است. حکومت خودش یادداشتی به دادگاه داد که در آن گفته می شد در ۲۸ دسامبر ۱۹۵۴ تصمیمی در این رابطه اتخاذ شده است. بنابراین، در تصمیم اولیه مبنی بر انحلال تجدیدنظر شده است؛ حال چگونه هنوز می تواند کاربرد داشته باشد و اعمال شود؟ علت این بود که ما دادخواستی دادیم و با رأی دادگاه مخالفت کردیم». نگاه کنید به: *الشراع* (۸ ژوئن ۱۹۹۲)، ص ۴۹ این گزارش در اثر زیر هم آمده است:

Foreign Broadcast Information Service (FBIS), 11 June 1992, p.7.

۴۶. در اسلام طی شبانه‌روز ۵ بار نماز گزارده می‌شود.
۴۷. مصاحبه با سعدالدین ابراهیم، قاهره ۲۱ اوت ۱۹۹۵.
۴۸. از گزارش منتشر نشده و بدون عنوان Human Right Watch 1993.
49. Stephen Hubbell, "Termors After the Earth-quake", **Middle East International**, 23 October 1992, p.9.
۵۰. «مقامات ۱۴ عضو اخوان را دستگیر می‌کنند»، خبرگزاری الاهرام، ۲۱ دسامبر ۱۹۹۲ که در منبع زیر ذکر شده است:
- FBIS**, 21 December 1992, p.19.
51. "Police arrest 50 Muslim Brotherhood Members", MENA, 7 June 1992, in **FBIS**, 8 June 1992, p.19.
52. **Middle East Contemporary Survey**, 1992, p.374.
۵۳. «اخوان المسلمین اتهام تروریست بودن را رد می‌کنند» الشعب، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۲، به نقل از:
- FBIS**, 21 December 1992, p.19.
54. **Middle East Contemporary Survey**, 1992, p.374.
۵۵. احمد موسی، «گزارش دستگیری یازده عضو اخوان المسلمین»، الشعب، ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲، صص ۱، ۱۰. به نقل از: 15 : **FBIS**, Jan. 1993, p.14
۵۶. بطور مثال نگاه کنید به «بازیرسان از اعضای اخوان المسلمین بازجویی می‌کنند»، الاهرام، اول ژوئن ۱۹۹۳، به نقل از:
- FBIS**, 18 June 1993, p.13.
۵۷. احمد موسی «تماسهای اخوان المسلمین با خارجی‌ها افشا شد»، الاهرام شبانه، ۲۱ دسامبر ۱۹۹۲، ص ۱. به نقل از:
- FBIS**, 5 January 1993, p.14.
۵۸. «اعضای اخوان المسلمین در گیر در قضیه سلسبیل دستگیر شدند»، الشعب، ۲۲ ژوئن ۱۹۹۳، صص ۱۰-۹. به نقل از:
- FBIS**, 28 June 1993, p.19
59. Abed - Kotob, p. 329.
60. Lawyers Committee for Human Rights, "Escalating Attacks on Human Rights Protection in Egypt", September 1995, pp. 5-6.
۶۱. در ماه ژوئن، محمد حامد ابوالنصر مرشد عام وقت اخوان المسلمین دلایل سرکوب را به شیوه‌ای جالب برشمرد: «[يك] تفسیر بر آن است که ترس از توسعه و رشد جریان اسلامی این مبارزه علیه اخوان را برانگیخت تا جلوی این رشد گرفته شود یا ریشه کن گردد. کسانی هم هستند که می‌گویند گفتگو و گرایش به حذف اخوان المسلمین از این گفتگو نیاز به ایجاد فضایی داشت که اطراف و احزاب شرکت کننده در گفتگو به مخالفت با جریان برحق اسلامی تشویق و تحریک شوند. دیگران می‌گویند که حوادث انجمن و کلا که اخوان نقشی در آن نداشت، منجر به افزایش مبارزه با اخوان المسلمین شده است. کسانی که بر این عقیده هستند به مسابقه مطبوعات دولتی برای حمله به اخوان المسلمین و وارد آوردن اتهامات گوناگون، از جمله دست داشتن در حوادث انجمن و کلا برای به‌هراس انداختن رژیم، اشاره می‌کنند. . . . کسانی که این نظر را قبول

- FBIS**, 29 October 1991, p.23.
23. **Middle East Contemporary Survey**, Vol. XV, 1991, p.367.
24. **Ibid.**
25. **Ibid.**
26. **Ibid.**
۲۷. مصاحبه فوق در الجماهیریه منتشر و در منبع زیر گزارش شده است:
- Middle East Watch, "The Power of Arrest and Detention", Unpublished (11 November 1991)p.83.
۲۸. این افراد شامل حسن الجمال عضو سابق پارلمان و صلاح عبدالمنصور روزنامه‌نگار می‌شدند.
29. Middle East Watch, "The Power of Arrest and Detention", Unpublished, p. 85.
30. **Ibid.**
31. **Ibid.**, p. 84.
32. **Ibid.**
۳۳. مصاحبه با مأمون هضیبی در روزالیوسف، ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲، که در اثر زیر گزارش شده است:
- \* Middle East News Agency (MENA)
- Middle East Contemporary Survey**, Vol. XVI, 1992, p.373.
34. "Muslim Brotherhood Disclaim Links with Terrorism" MENA, 31 March 1993. in **FBIS**, 1 April 1993, p.16.
35. Steve Hubbel, "Fundamentalist Gains", **Middle East International** (25 September 1992). p.11.
36. **Ibid.**
۳۷. نبیل عبدالفتاح (بدون عنوان) الاهرام هفتگی، ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، ص ۷ که در منبع زیر گزارش شده است:
- FBIS**, 22 September 1992, p.10.
۳۸. مصاحبه با ایمانی قنديل عضو The Economic Research Forum، قاهره، ۲۰ اوت ۱۹۹۵.
39. Mohammad Salah, "The Showdown with The Brotherhood", **Mideast Mirror**, 27 January 1995, p.14.
۴۰. مجدی الدقاق، «ارقام سخن می‌گوید: پول‌های بادآورده در اتحادیه‌های اخوان المسلمین»، المصور، ۳ مارس ۱۹۹۵، صص ۱۷-۱۶ که در منبع زیر آمده است:
- FBIS**, 3 May 1995, pp. 27-30.
41. Salah, p.15.
42. **Ibid.**
43. **Ibid.**
44. **Ibid.**
- \* Humanitarian Relief Committee
45. **Middle East Contemporary Survey**, 1992.p.373.

اخوان المسلمین توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مدت ۵ روز بازداشت شدند. علی‌الدین ابوالفتوح تنها به‌خاطر حمایت از المشاد نامزد اخوان در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۵ دستگیر شد و تا پایان انتخابات در بازداشت به‌سربرد. سرانجام در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵ پلیس در بنی سوئیف، فهرستی از نمایندگان انتخاباتی محمد انورالدین نامزد اخوان به‌دست آورد و ضمن مجبور کردن انورالدین به کناره‌گیری از انتخابات، تمامی نمایندگان او در فهرست مذکور را دستگیر کرد.

\* Center for Human Rights Legal Aid

74. The Center for Human Rights Legal Aid, "CHRLA's Final Report on the Legislative Elections in Egypt 1995", December 1995, pp.2-3.

75. "Six Members of Muslim Brotherhood Arrested", *MENA*, 2 October, 1995, in *FBIS*, 3 October 1995.

76. *Ibid.*

77. مصاحبه با مصطفی مشهور در السفیر ۳۰ مارس ۱۹۹۵، ص ۱۰. به نقل از:

*FBIS*, 5 April 1995, pp. 20-22.

78. امین النقاش، «دولت و اخوان المسلمین»، الاهالی، اول فوریه ۱۹۹۵، ص ۷۰. به نقل از:

*FBIS*, 7 February 1995, pp. 32-33.

\* The Law for Practicing Political Rights

79. مصاحبه با دکتر سلیم العوا، قاهره، ۲۲ نوامبر ۱۹۹۵.

80. Human Rights Watch, *Human Rights Watch World Report 1994* (New York: Human Rights Watch, 1994) p. 282.

۸۱. در ۱۹۹۳ بازداشت گاهگاه نمایندگان سازمان مصری حقوق بشر و نظارت بر فعالیت‌های آنان از افزایش آزار و ارباب فعالان محلی این سازمان حکایت می‌کرد. در ۱۹۹۴، که رژیم به‌خاطر افزایش سوء رفتار - بویژه با اسلام‌گرایان رادیکال - از سوی گروه‌های حقوق بشر بین‌المللی و محلی تحت فشار شدید قرار داشت، بر سازمان‌های غیردولتی محلی فشار بیشتری وارد ساخت و گزارش سالیانه حقوق بشر سازمان مصری حقوق بشر را مصادره و از توزیع آن در مصر در سپتامبر ۱۹۹۴ جلوگیری کرد. در همان زمان مبارزه مطبوعاتی شدیدی علیه گروه‌های حقوق بشر به‌راه انداخت و آنها را طرفدار تروریست‌ها خواند و به عمر کوتاه آنها در آینده اشاره می‌کرد. در دسامبر ۱۹۹۵، بسیاری از مصریان طرفدار حقوق بشر منتظر بودند که به زودی دولت برای محو کردن آنها از صحنه دست به اقدام بزند.

۸۲. خالد داود و امیه عبدالطیف، «عقاب کموتی برای راهنمایی اخوان المسلمین»، هفته‌نامه الاهرام، ۲۵-۳۱ ژانویه ۱۹۹۶، ص ۲.

۸۳. برگزیده مصاحبه به نقل از الحیاه (بدون تاریخ) به نقل از:

*Mideast Mirror*, 24 January 1996.

۸۴. داود و عبدالطیف، ص ۲.

85. Fatemah Farag, "New Guide for The Brotherhood", *Middle East Times*, 28 January-3 February 1996, p.20.

دارند می‌گویند که مبارزه [دولت] به این جهت تشدید شده که زمینه برای اتخاذ موضع رسمی بر ضد انجمن‌های گوناگون و حضور اسلامی در آنها فراهم شود. نگاه کنید به: «مصاحبه رهبر اخوان المسلمین» در السفیر، ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴ به نقل از:

*FBIS*, 12 July 1994, p.16.

۶۲. «ما در عصر جدیدی زندگی می‌کنیم: مصاحبه با حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر»، در:

*Der Spiegel* (16 May 1994), pp. 142-47.

به نقل از:

*FBIS*, 17 May, p.11.

ارتباط دادن اخوان به تروریسم از سوی مبارک بدین خاطر مطرح بود که انجمن تحت کنترل اخوان از موضوع مرگ مدنی استفاده کردند و علیه دولت موضع گرفتند، در حالی که مدنی وکیل شناخته‌شده گروه رادیکال الجماعة الاسلامیه بود.

63. "Muslim Brotherhood Said to Fund Terrorists", *MENA*, 30 May 1994

به نقل از:

*FBIS*, 1 June 1994, p.26.

۶۴. برای نمونه نگاه کنید به، «دادستان ۸ عضو اخوان المسلمین را بازداشت کرد»، الاهالی، ۸ ژوئن ۱۹۹۴ به نقل از:

*FBIS*, 13 June 1994, p.15.

65. Mary Anne Weaver, "The Novelist and the Sheikh", *The New Yorker*, 30 January 1995, p.67.

۶۶. الجماعة الاسلامیه یکی از مهمترین گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا و طرفدار خشونت برای سرنگونی رژیم کنونی در مصر است.

۶۷. «رئیس امور امنیتی در مورد تروریسم و اخوان المسلمین [سخن می‌گوید]»، الاهالی، ۲۲ مارس ۱۹۹۵، ص ۶. به نقل از:

*FBIS*, 30 March 1995, p.19.

68. "Four Muslim Brotherhood Leaders Arrested", *MENA*, 30 March 1995, reported by *FBIS*, 31 March 1995.p.10.

69. *Ibid.*

۷۰. مصاحبه با سیف‌الاسلام حسن البنا، قاهره ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵.

71. The Egyptian Organization for Human Rights, "Democracy Jeopardised: The Egyptian Organization for Human Right, Account of Egyptian parliamentary Elections 1995", December 1995, p.14.

72. *Ibid.*

\* Egyptian Organization for Human Rights (EHOR)

۷۳. برای نمونه، دکتر اکرم الشاعر نامزد اخوان در پرت سعید در ۵ نوامبر ۱۹۹۵ مجبور شد تابلوهای مبارزاتی اخوان با شعار «اسلام تنها راه حل است» را پائین کشیده و به‌جای آن تابلوهای تبلیغاتی با شعار «حامی خداوند باشید» را بالا ببرد. ستاد مبارزاتی شاعر نیز دو هفته بعد مورد بازرسی اجباری نیروهای امنیتی قرار گرفت و آنها ۸۰۰۰ جزوه و پلاکاردهای مختلف را که روی آنها شعار «اسلام تنها راه حل است» نوشته شده بود مصادره کردند. در دامتیه نیز وائل العبد و وحید عصفوری به‌خاطر برافراشتن تابلوهای تبلیغاتی عبداللہ المشاد نامزد